

جهنم



آیت الله حسین نوری

و امیدواریم که انشاء الله مایه تنبیه و بیداری برای امثال اینجانب باشد البته بعداً با توفیق خداوند به شرح بهشت و نعمتهای آن خواهیم پرداخت.

قبل از هر چیز لازم است باین مطلب نیز توجه شود همانطور که شرح نعمتهای بهشتی که مظهر و تجلیگاه رحمت و اسعه پروردگار رحیم و رئوف است برای ما هرگز ممکن نیست و در این مورد فقط باید از تعبیراتی که در قرآن مجید و کلمات اهل بیت عصمت سلام الله علیهم رسیده است استفاده کنیم شرح جهنم و عذابهایی آن نیز که مظهر غضب خداوند قهار و جبار است هیچگاه برای ما جز از این راه که از تعبیرات قرآنی و احادیث دینی کمک بگیریم مقدور نمیشود.

در این رابطه باید دانست که در ۷۷ جای قرآن مجید از «جهنم» نام برده شده و در ۳ جا بعنوان «بئس المهادر» یعنی جایگاه بدودر جا بعنوان «بئس المصیر» برگشتگاه نامطلوب و در یک جا بعنوان «بئس الفرار» معرفی گردیده است و از شدت عذاب آن خداوند با عبارات مختلفی پرده برداشته است.

در موردی درباره آن فرموده است: «كَلِمًا خَتَّ يَدَاكُم سَعِيرًا» یعنی هرگاه که بخاموشی گرانید آنرا شدیدتر سوزان و فروزان میکنیم. و در مورد دیگر گفته است: «كَلِمًا تَصِفَتْ جُلُودَهُمْ

مانند لذت علم و درک حقایق جهان... و مقصود از آلام جسمانی دردها و رنجهایی است که بوسیله اعضای بدن به روح منتقل میشود مانند دردهایی که از زخم و سوختن بدن و فشاری که بر بدن وارد میشود به انسان دست میدهد و آلام روحانی دردها و رنجهایی است که بدون واسطه اعضای بدن بر روح انسان عارض میگردد مانند حسرت دوری از قرب جوار حق تعالی و غصه و اندوههایی که برای جهل و محرومیتها و امثال آن به انسان دست میدهد.

ما اکنون با توفیق خداوند متعال به شرح عذاب جهنم و شرح آلام و رنجهای جسمانی و روحانی جهنمیان از دیدگاه قرآن مجید و گفتار اهل بیت وحی و عصمت سلام الله علیهم اجمعین بمناسبت بحث خود میپردازیم

میدانیم سازمان وجود انسان از دو قسمت ساخته شده است از روح و بدن و دین اسلام که دین فطرت است در تعالیم عالی خود بهر دو جزء انسان یعنی روح و بدن توجه کامل معطوف داشته و بمنظور تأمین نیازمندیها و تکامل هر دو قوانینی در زندگی دنیوی انسانها مقرر کرده است که اکنون جای شرح این موضوع نیست. و چون معاد در روز قیامت نیز «معاد انسانی» است یعنی تنها روحانی و تنها جسمانی نیست و با روح و بدن محشور خواهد گشت لذات اهل بهشت هم روحانی و هم جسمانی است و همچنین آلام و رنجهای اهل جهنم هم روحانی و هم جسمانی است. باین نکته نیز باید توجه داشت که درک کننده کلمه لذتها و دردها در حقیقت روح انسان است و جسم وسیله انتقال لذات و آلام به روح میباشد ولی منظور از لذات جسمانی آن نوع از لذتهایی است که اعضای بدن در درک و انتقال آنها به روح دخالت دارد و بدون این آلات و ابزار بدنی درک آنها برای روح ممکن نیست. مانند لذت خوردن و لذت آشامیدن. و اما لذات روحی آن نوع از لذتهایی است که جسم انسان در درک و انتقال آن به روح اصلاً دخالت ندارد مانند شادمانی ای که به انسان از رضوان خداوند متعال و قرب جوار خداوند دست میدهد و

بَدَلْنَا جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»^۲

هرگاه پوست بدنشان بسوزد به پوست دیگرش مبدل میسازیم تا سختی عذاب را بچشند. و در ۷۰ جا عذاب خود را به الیم یعنی دردناک بودن و در موارد بسیاری به شدید و سخت بودن توصیف نموده است و بالأخره به پیغمبر عزیز خود فرمودند: «نَسِي عِبَادِي اِنِّي اَنَا الْعَفْوُ الرَّحِيمُ وَاَنْ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيمُ»^۳ یعنی به بسندگان خبر بده که من بسیار آمرزنده و مهربان میباشم و عذاب من بسیار سخت و دردناک است.

و در ۱۲۶ مورد از آتش جهنم نام برده و در مواردی برای اینکه مردم آنرا از قبیل آتش های دنیوی تصور نکنند آنرا آتش خاصی قلمداد میکند. مثلاً میفرماید: «الَّذِي تَضَلَّى النَّارَ الْكُبْرَى ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى»^۴ افراد شقاوتمند در آتش بزرگ جهنم میسوزند نه میمیرند تا راحت شوند و نه زندگانی هستند که از زندگی برخوردار باشند.

باید توجه داشت که توصیف آتش جهنم به «آتش بزرگ» از این جهت است که حرارت آن از حرارت آتشی که در دنیا وجود دارد بسیار زیادتر است که حضرت صادق علیه السلام در این رابطه فرمودند: حرارت این آتشی شما در مقایسه با آتش جهنم هفتاد مرتبه نزرک نموده و کاهش پیدا کرده است.^۵

میدانیم درجات حرارت مواد قابل اشتعال در دنیا متفاوت است مثلاً: آتش چوب ۲ هزار درجه، الکل ۵ هزار درجه، زغال سنگ ۷ هزار درجه، نفت ۱۰ هزار گاز چراغ ۱۰ هزار و بالأخره نیدروژن ۳۷ هزار درجه سانتیگراد است.^۶

و نیز درجه حرارت سطح خورشید ۶ هزار درجه و حرارت اعماق خورشید ۲۰ میلیون درجه است.^۷

با توجه باین تفاوتها عمق بیان حضرت صادق علیه السلام برای ما روشن میشود که فرمودند: حرارت آتش جهنم ۷۰ مرتبه فوق حرارتهای دیگر است.

شاید در بکار بردن رقم ۷۰ هم عنایتی به خصوص این رقم نیست و برای تکثیر بکار برده شده است یعنی همانطور که ما در مکالمات خود میگوئیم صدبار گفتم و یا هزار بار گفتم و منظور این است که بسیار زیاد گفتم در این مورد نیز منظور حضرت صادق علیه السلام این است که حرارت آتش جهنم از آتشی دنیا بسیار زیادتر میباشد.

در سوره قارعه از آتش جهنم به «نَارُ خَامِه» یعنی آتش داغ و سوزان تعبیر کرده است و در موردی آنرا با این عبارات توصیف مینماید «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمَوْجُودَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْاُفُقِ اِنَّمَا عَلَيْهَا فُؤُودَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمْتَدَّة»^۸

یعنی عیب جویان و غیبت کنندگان که بجمع و شماره کردن مال و ثروت سرگرم هستند و چنین گمان میکنند که مال و ثروت دنیا باعث جاودانگی آنان خواهد شد اشتباه میکنند آنها در جهنم شکننده خواهند افتاد و توجه میدانی که شکننده چیست آتشی است که بوسیله آتش خداوند آفریننده شده است و شراره آن دلها را میسوزاند که استاد بزرگوار ما آیه الله علامه طباطبائی رضوان الله علیه در تفسیر این آیات فرمودند یکی از تفاوتهایی که آتش آخرت با آتش دنیا دارد همین است که آتش دنیا فقط ظاهر را میسوزاند ولی آتش آخرت علاوه بر ظاهر باطن را نیز میسوزاند.^۹

آتشی است که از هر سو آنها را احاطه کرده و مانند ستونهای بلند زبانه کشیده است. و بالأخره در موردی درباره آتش جهنم این تعبیر را میبینیم. «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^{۱۰}

یعنی بترسید از آتشی که هیزم آن مردم و سنگها میباشد (منظور از سنگها بت هائی است که مورد پرستش انسانها واقع میشود).

رهبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز که بمنظور تبشیر و انذار و نصیحت، و ساختن انسانها بر اساس تقوا و تعهد و تهذیب اخلاق با دلی مهربانتر از دل پدر و مادر و با کلماتی دلپذیرتر و لطیفتر از نسیم صبحگاهی و عباراتی دلنوازتر از هر آهنگ حیات بخش سخن می گفتند همانطور که رحمت و لطف خداوند را تذکر میدادند عذاب سخت خداوند قهار را نیز گوشزد مینمودند.

در نهج البلاغه در ۶۰ مورد آتش جهنم مورد تذکر واقع شده است و حضرت امیرمؤمنان علیه السلام شدت حرارت و سختی عذاب آنرا تذکر داده است در خطبه ۱۰۸ میخوانیم:

۱. «واقا اهل المعصية فانزلهم شر دار وغل الأيدي الى الأعناق وقرن النواصي بالافدام والبهم سرايل الفطران ومقلعات النيران في عذاب قد اشد حرة وباب قد اطق على اهله في نار لها كلب وآجب ولهب ساطع وفصيف هائل لا يظعن مقبها ولا يفاذي اسرها ولا تنصم كقولها لأمدة للدار فتفسى ولا اجل للقوم فيقصى»

یعنی خداوند اهل معصیت را در بدترین جایگاهی فرود میآورد و بوسیله غل ها دستهای آنها را بگردنهایشان می بندد و موهای پیشانیان را با پاهایشان پیوسته میگرداند و پیراهن هائی از «قپران» (روغنی است بسیار بدبو) و جامه هائی از آتش سوزان به ایشان میپوشاند در عذابی هستند که گرمی آن بسیار سوزنده و در خانه ای که درب آن بر روی اهل آن بسته شده قرار دارند در آتشی هستند بسیار سوزان و پرغوغا دارای زبانه و شراره بلند و صدای ترساننده ساکنان آن آتش هرگز نتوانند که بیرون بروند و از اسیر و گرفتار آن آتش

هرگز «فدیه» (مالی که برای استخلاص اسیران داده میشد) قبول نمی شود غلها و بندهای آن شکسته نمیشود مدتی برای آن نیست تا به انتها برسد و زمان معینی نیست که تا بسر آید و تمام گردد.

۲- در خطبه ۱۱۹:

«اعملوا اليوم نذخمره الذخائر ونبلی فیہ الترائر... انقلوا ناراً حرّها شدید وقرعها بعد وعلینها حدید وشرابها صدید».

یعنی عمل کنید برای آنروزی که ذخیره ها برای آن روز اندوخته می شود برای آنروزیکه باطنها و اندیشه ها در آنروز آشکار می گردد و بهره یزید از آتشی که گرمی آن سخت و ژرفی آن بسیار و زیور آن آهن و آشامیدنی آن زرداب است.

۳- در ضمن خطبه ۱۸۲ آمده است:

«واعلموا انه لیس لهذا الجلد الرقیق صبر علی النار فارحموا نفوسکم فانکم قد جرّتموها فی مصائب الدنيا افرایم جزع احدکم من الشوکه نصیه والعره ندمیه والرّمضاء تحرفه فکیف اذا کان بین طابین من نارٍ ضجیع حجرٍ وقرین شیطان اعلّتم ان مالکاً اذا غضب علی النار حطم بعضها بعضاً لغضب واداً زجرها توتبت بین ابوابها جزعاً من زجرته ایها الیقین الکبیر الذی قد لهنزه الغنیر کثیف انت إذا الشحمت اطواق النار یعظام الاغناق، وتنبیت الجوامع حتی اکلت لحوم الشواعید فانه الله، فغشرا العباد، وانتم سالیون فی الضحیة قبل الشقم، وفی الفصحیة قبل الضیق، فاشعوا فی فکاکه رفا یکتم من قبل ان تغلق زهايتها».

یعنی: بدانید این پوست نازک بدن شما را صبر و شکیبایی بر آتش نیست بنابراین بخودتان رحم کنید شما خودتان را در مصیبت ها و سختیهای دنیا امتحان و تجربه کرده اید آیا دیده اید که یکی از شما از نیش خاری که به بدن او فرو میرود چگونه ناله و اظهار درد میکند؟ و همچنین اگر پای او بلغزد

و روی زمین بیفتد و یک نقطه از بدنش خونین شود؟ یا ریگ گرم بیابان او را بسوزاند پس چه حالی خواهد داشت در صورتی که در میان دو طبقه از آتش قرار بگیرد و همخوابه سنگ سوزان و هم نشین شیطان باشد!!

آیا میدانید که مالک دوزخ هنگامیکه بر آتش جهنم خشم می کند از خشم او آتش بجوش و خروش آمده قسمتی از آن قسمت دیگر را مورد اصطکاک قرار میدهد، و هرگاه آنرا زجر کند و بر آن بانگ و نهیب زند آن آتش بی تابانه بین درهای دوزخ از جانی بجای دیگر می جهد.

ای پسر سالخورده که ناتوانی پیری دامنگیرت شده است چگونه خواهی بود زمانیکه طوفهای آتش باستخوانهای گردنها چسبیده شود و غل و زنجیرها آنقدر فرو بنشینند تا گوشتهای بازوها را بخورد.

پس ای گروه بندگان از خدا بترسید، از خدا بترسید از این فرصت تندرستی پیش از اینکه بیمار شوید از آسایش و فراغت پیش از اینکه در سختی و مضیقه قرار بگیرید استفاده کنید و در آزاد کردن خود از آتش دوزخ بکوشید.

۴- در نامه ۲۷ (از نامه های نهج البلاغه) که آنرا هنگام انتخاب محمد بن ابی بکر برای فرمانروایی مصر و اعزام وی به آن کشور مرقوم داشت فرمود:

«فاحذرو ناراً فغرّها بعد وحرّها شدید وعدادها جدیده دائرّین فیها رحمه ولا تسمع فیها دعوه، ولا تفرّج فیها کرمه».

بترسید از آتشی که عمق و ژرفای آن بسیار، گرمی آن سخت عذاب و گرفتاری آن تازه است (شاید اشاره به آیه ۵۶ سوره نساء که مرقوم شد باشد که مفاد آن این بود که هرگاه پوست بدنهای اهل جهنم سوخته شود پوست جدیدی جایگزین آن میشود تا عذاب را مجدداً

بچشند) سرائی که در آن رحمت و مهربانی نیست هیچ درخواستی پذیرفته نمیشود و غم و اندوه برطرف نمی گردد.

در دعاهائی که از ائمه علیهم السلام رسیده و با مضامین لطیف و عالی خود درسهای فراوانی را در زمینه خودسازی و تهذیب نفوس به انسانها میدهند تذکرات بسیاری در باره آتش جهنم وجود دارد مثلاً در دعای ۳۲ صحیفه سجادیه که زیور اهل بیت عصمت علیهم السلام میباشد و آن دعائی است که بعد از نماز شب خوانده میشود آمده است:

«اللهم انی اعوذک من نار تغلظت بها علی من عصاک وتولدت بها علی من صدق عن رضاک ومن نار نورها ظلمة وهبتها الیم وبعیدها قرب ومن نار یا کل بعضها بعض و یصل بعضها علی بعض ومن نار نذرا لعظام ربما ونسفی اهلها حمیما».

یعنی پروردگارا بتو پناه میبرم از آتشی که بوسیله آن بر گناهکاران سخت گرفته ای و بواسطه آن بکسانیکه از راه خشنودی تو برگشته اند وعده عذاب داده ای.

از آتشی که نور آن ظلمت و خفیفش دردناک و دور آن نزدیک و از آتشی که برخی از آن برخ دیگر را می خورد و بعضی بر بعضی هجوم میکند و میخورد و از آتشی که استخوانها را خرد میکند و باهل خود آب داغ و جوشان مینوشاند.

«اعاذنا الله منها»

ادامه دارد

- ۱- سوره اسراء- آیه ۹۷.
- ۲- سوره نساء- آیه ۵۶.
- ۳- سوره حجر- آیه ۴۹-۵۰.
- ۴- سوره اعلی- آیه ۱۲-۱۳.
- ۵- سفینه البحار- ج ۲ ص ۶۹۱.
- ۶- کتاب جهان آفرین- ص ۱۰۱.
- ۷- کتاب جهان آفرین- ص ۱۰۰.
- ۸- سوره همزه- آیه ۴-۹.
- ۹- تفسیر المیزان- ج ۲۰ ص ۵۰۷.
- ۱۰- سوره بقره- آیه ۲۴.